

وضعیت فیلم‌های سینمایی در حال اکران!



اتفاق مؤید همدستی و هم‌پیمایی آمریکا و نیروهای نظامی آن با این سازمان (داعش) است. «حشد الشعبی عراق با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «اقدام آمریکا نقض آشکار حاکمیت و تعرض به دستگاه‌های امنیتی رسمی عراق به شمار می‌آید. آمریکا ۲ خانه را نیز هدف قرار داد و آن‌ها را به هراس انداخت. این حمله پاک‌داشتن روی قوانین و عرف‌های بین‌المللی شمرده می‌شود. ما بر آمادگی حشد الشعبی برای اجرای هرگونه دستور صادره از سوی فرمانده کل نیروهای مسلح جهت حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی عراق و جان ملت‌مان تأکید می‌کنیم.» ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان هم به حملات آمریکا واکنش نشان داد. کنعانی گفت: «افزون بر حمایت تمام‌عیار آمریکا از ۴ ماه حملات بی‌امان و وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه ساکنان غزه و کرانه غربی و نیز حملات نظامی به یمن و نقض حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور، حمله شب گذشته به سوریه و عراق، اقدام ماجراجویانه و خطای راهبردی دیگری توسط دولت امریکاست که نتیجه‌ای جز تشدید تنش و بی‌ثباتی در منطقه نخواهد داشت.» ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه نیز به این حملات واکنش نشان داد. به گزارش مهر به نقل از اسپوتنیک، سخنگوی وزارت خارجه روسیه اعلام کرد: «مسکو حملات هوایی آمریکا به سوریه و عراق را به شدت محکوم می‌کند و به دنبال بررسی فوری این حمله‌ها در نشست شورای امنیت سازمان ملل است.» مسکو همچنین خواستار نشست فوری شورای امنیت برای بررسی حملات آمریکا شد.

▼ حملات آمریکا و واکنش‌ها

بامداد روز گذشته، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) با صدور بیانیه‌ای رسمی، از آغاز عملیات انتقامی آمریکا در خاورمیانه خبر داد. در بیانیه سنتکام آمده است: «ساعت ۴ بعدازظهر (به وقت ساحل شرقی آمریکا) دوم فوریه عملیات فوج‌های فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) عملیات‌هایی علیه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به آن انجام داد. نیروهای نظامی ایالات متحده بیش از ۸۵ هدف را با استفاده از هواپیماهای مختلف از جمله بمب‌افکن‌های دوربرد که از خاک آمریکا پرواز کردند، مورد حمله قرار داد. در این عملیات بیش از ۱۲۵ مهمات دقیق به کار گرفته شد. تاسیساتی که مورد حمله قرار گرفتند عبارتند از مراکز فرماندهی و کنترل عملیات، مراکز اطلاعاتی، انبارهای راکت، موشک و پهپاد، [مراکز] پشتیبانی و عرضه مهمات متعلق به گروه‌های شبه‌نظامی و پشتیبانان آنان از سپاه پاسداران که برای حمله به نیروهای آمریکا و ائتلاف مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در این ارتباط، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در واکنش به حملات به مواضع گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه با صدور بیانیه‌ای گفت: «امروز عصر، تحت هدایت من، نیروهای نظامی ایالات متحده پایگاه‌هایی در عراق و سوریه، که اسپاه پاسداران و شبه‌نظامیان وابسته برای حمله به نیروهای آمریکایی استفاده می‌کردند، هدف قرار دادند. این حملات در زمان‌ها و مکان‌هایی که ما انتخاب می‌کنیم ادامه خواهد یافت. همه کسانی که ممکن است به دنبال آسیب زدن به ما باشند این را بدانند: اگر به یک آمریکایی آسیب برزید، ما پاسخ خواهیم داد.» سخنگوی فرمانده کل نیروهای مسلح عراق (نخست‌وزیر عراق) در اطلاعیه‌ای، حملات آمریکا را محکوم کرد و ادامه حضور نیروهای ائتلاف بین‌الملل در عراق را عامل بی‌ثباتی این کشور توصیف کرد. در بیانیه ژنرال یحیی رسول آمده است: «این حملات در زمانی صورت گرفت که عراق در تلاش برای حفظ ثبات در منطقه بود. این به منزله نقض حاکمیت عراق و تضعیف تلاش‌های بغداد است.» او در بخش دیگری از این بیانیه تأکید کرد که «نمی‌خواهیم سرنزیم عراق و حاکمیت این کشور به مکانی برای تسویه حساب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بدل شود.» به دنبال اعتراض رسمی عراق، کاردار آمریکا به وزارت کشور احضار شده است. وزارت دفاع سوریه با صدور بیانیه‌ای، تجاوز بامداد شنبه آمریکا به مناطقی از این کشور را محکوم کرد. در بیانیه دمشق آمده است: «نیروهای اشغالگر آمریکایی به مناطق و شهرک‌های در شرق سوریه و نزدیک مرز با عراق حمله کردند. تجاوز هوایی آمریکا به مواضع و شهرها در شرق سوریه منجر به شهادت و مجروح شدن چندین غیرنظامی و نظامی و وارد شدن خسارات مالی قابل توجهی شد. منطقه‌ای که حملات آمریکا در شرق سوریه آن را هدف قرار داد، همان منطقه‌ای است که ارتش سوریه با قیامی گروه تروریستی داعش می‌جنگد. این

▼ آخرین تحولات عراق

به دنبال حملات بامداد شنبه، مقاومت عراق روز گذشته چند پایگاه آمریکایی در عراق و سوریه را هدف قرار داد. براساس گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌های عراقی، پایگاه‌های عبی‌الاسد و حریر در عراق و پایگاه خراب‌الجیر در خاک سوریه مورد هدف قرار گرفته است.

زور می‌گوید با از مامور بدی می‌بیند و عصبانی می‌شود، دلش می‌خواهد او را نابود کند. هنگامی که چشم و روح و روان انسان‌ها به کشتن عادت می‌کند برای آن سیل توجیهات هم‌روان می‌شود و حتی آن را لذت‌بخش می‌فکند و بازدارنده و غیره هم می‌خوانند. برای اینکه این عادت را بتوان درک کرد باید به عادت کشتن موجودات دیگر اشاره کرد. در فرهنگ ایران امروز و همه مسلمانان کشتن گوسفند و گاو و شتر و مرغ به عنوان حیوانات حلال گوشت رایج است آنقدر رایج و عادی که تردید در آن موجب شبیهه در عقلا نیست تردیدکننده هم می‌شود. اوج احترام زیاد گذاشتن به کسی آن است که برای مهمان نوازی‌اش گوسفند یا گوساله‌ای را زمین می‌زند و گوشت آن را کباب می‌کنند. بهترین غذا و پذیرایی از مهمانان هم گوشت همین حیوانات است و ماده اصلی عمده غذاهای رستوران‌ها را همین گوشت تشکیل می‌دهد. درست در نقطه مقابل آن در منطقه‌ای از هند مردمانی زندگی می‌کنند که هیچ موجود زنده‌ای را نمی‌کشند حتی موجودات خطرناک مانند مار و عقرب چه رسد که حیوانی را بخورند. اگر کسی موجود زنده‌ای را بکشد از نظر آنان عمل غریبی مرتکب شده است. آن عادت‌ها چنان است که حتی وقتی مردمانی که گوشت گوسفند را با لذت می‌خورند می‌شنوند در آسیا میان چشم‌بادامی‌ها هر موجود زنده‌ای خوردنی است حتی عقرب و سوسک و سگ و میمون و... برای شان چندان آزار است. قدرت عادت به حدی است که می‌تواند کشتن و خوردن انسان را هم به اندازه کشتن و خوردن این حیوانات لذت‌بخش کند چنانکه انسان سفیدپوستی را خورده بودند، به نشانه افتخار سر او را بر سردرخانه‌شان نصب می‌کردند مانند اشرافی که در قدیم سر گوزن و شش‌پا و ببر را در اتاق خود به نشانه زینت بر دیوار نصب می‌کردند. بنابراین کشتن یک عادت است نه یک ایدئولوژی، عادتی است که صورت ایدئولوژی یافته است. این عادت می‌تواند به خوردن انسان هم ارتقاء یابد. اگر امروز از خوردن انسان سخن بگوییم باورنکردنی و چندان آزار است ولی مگر این کار با کشتن و لولو به نام مجازات چه تفاوتی دارد؟ بنابراین قضاوت اخلاقی درباره این موضوع نیز تا حد زیادی وابسته به فرهنگ و عادت‌های یک جامعه است. واقعیت این است که در چند دهه اخیر دنیا به سرعت تغییر کرده و در حال تغییرات حیرت‌انگیز است. فرهنگ و عادت‌های جامعه امروز ایران نیز دستخوش تغییرات جدی شده و در مسیر تحول است. به جای مقابله کردن با سیل به وسیله پیل و سینه سپر کردن جلوی تغییرات اجتناب‌ناپذیر، باید آن را به صورت علمی مدیریت و هدایت کرد و مانع از آثار تخریبی آن شد.

اَبِي اَكْرَهَ لَكُمُ اَنْ تَكُوْنُو سَبَابِيْنَ وَ لَكِنَّمْ لَوْ وَصَفْتُمْ اَعْمَالَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ خَالَتُمْ كَانْ اَصُوْبُ فِى الْقَوْلِ وَ اَبْلَغُ فِى الْعَدْرِ وَ قُلْتُمْ مَكَانْ سَبَبِكُمْ اِيَاهُمْ اَللّٰهُمَّ اَحْقِنْ دِمَاعَنَا وَ دِمَاعَهُمْ وَ اَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اَهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ) اما اکنون اگر کسی طبق رویه امام علی همین اعدامی‌ها را دعا کرد فوراً می‌شود مدافع تروزیست و علیه او پرونده درست می‌کنند درحالی‌که متأثر شدن از اعدام کسی و بر زبان آوردن آن، به معنای دفاع از اتهام با جرم او نیست. واقعیت این است که در دنیایی که ۱۵۰ کشور از ۱۹۳ کشور جهان، مجازات اعدام را با لغو یا متوقف کرده‌اند و بخشی از آنها هم کشورهای اسلامی هستند، این یک مسئله جدی و مورد بحث حقوقدانان و جامعه‌شناسان و دین‌پژوهان است و نمی‌توان با این شیوه‌ها با آن برخورد کرد. اعدام و قتل از یک خانواده‌اند از این جهت که نتیجه هر دوی آنها حذف انسان و سلب حیات است اما از نظر شکلی، «قتل» یک جنایت و خشونت غیرقانونی است ولی اعدام، سلب حیات در فرایندی قانونی با تشریفات دادرسی است. به همین دلیل تفاوت بزرگ این دو عمل این است که در اولی اقدامی فردی است که ممکن است بر اثر هیجان، خشم، سودجویی یا عوامل و انگیزه‌های دیگر باشد اما در دومی، اقدام سازمان‌یافته از سوی یک دستگاه عظیم بوروکراتیک و تشکیلات اداری و سیاسی است که به صورت آگاهانه برنامه‌ریزی شده انجام می‌شود. هر چند برای متهم و محکوم فرصت تجدید نظر خواهی و اعاده دادرسی هم وجود دارد. برخی از حقوقدانان و فعالان حقوق بشر در دنیا دقیقاً به دلیل همین تفاوت‌ها است که از منظر عدالت کیفری، مجازات اعدام را با قتل برابر نمی‌دانند. اعدام، کارکردهای آشکار و پنهان دارد که معمولاً در جوامعی که ژرف‌نگری غایب است بر روی کارکرد آشکار امور تمرکز می‌کنند. گرچه مطالعه طولی آثار مجازات‌ها نشان می‌دهد که در درازای زمان اثر کاهنده‌ای بر جرم نداشته است و حتی از نظر کارکرد آشکار مجازات موقتی نبوده است اما اگر بخواهیم با موافقان اعدام هم‌نوا شویم و بی‌نزیهیم که کارکرد آشکار آن بازدارندگی بوده است اما بدون شک کارکرد پنهان آن در تناقض با کارکرد آشکارش قرار می‌گیرد و از همین طریق است که می‌توان به این سوال پاسخ داد که چرا با وجود ترس از اعدام اما جرم تکرار می‌شود؟ هنگامی که حکومت اعدام می‌کند یک القاء یا آموزش قوی در پس آن نهفته است. آموزشی که می‌گوید بهترین راه‌حل مشکل آدم‌های بد، حذف کردن‌شان از صفحه روزگار است. وقتی که این فکر جا افتاد و نهادینه شد دیگر تعیین مصداقش دست شما و حکومت نیست. اگر شهروندی از دست مامور راهنمایی و رانندگی که او را جریمه می‌کند یا به او

طرح‌های ضربتی به‌درگرمخانه‌ها مراجعه کرده‌هرکسی که می‌خواهد از آنجا خارج یا به آنجا وارد شود را دستگیر می‌کنند. به‌جای آنکه زیر پل‌ها و جوی‌ها که پر خطر است را بگردند افراد در دسترس از گرمخانه می‌برند که کار سهل‌الوصول‌تری است. ما که در این حوزه فعالیت می‌کنیم اعتماد خود را درباره این طرح‌ها و اقدامات شهرداری و سازمان‌ها و... از دست داده‌ایم، چه برسد به کارتن‌خواب کف خیابان که سال‌هاست خسارت عواید اینگونه تصمیم‌ها را پس داده است. «سپیده علیزاده بیان کرد: «این دوره هم شهردار تهران مدام درباره این موضوعات اجتماعی نطق می‌کند. یک روز می‌گوید شهر را تمیز می‌کنیم، روز دیگر می‌گوید تا آخر سال معاد در خیابان نمی‌بینید و... این حرف‌ها تبلیغاتی و شعاری است. حتی عامه مردم نیز این صحبت‌ها را نمی‌پسندند. مردم می‌دانند که این حرف‌ها نمایش است. آیا واقعاً واسه مردم این است که یک هزینه هنگفتی سربار بیت‌المال کنند تا معادن دستگیر، نگهداری و درمان شوند و در آخر دوباره به خیابان بازگردند و دوباره مصرف خود را با شدت و سرعت بیشتری ادامه دهند؟ چرخه فعالیت اینطور است که در زمستان معادن را جمع می‌کنند تا کسی نمیرد و در فروردین و نوروز ظاهر شهر قشنگ باشد و اردیبهشت آنها را تخریب کنند که هوا گرم است و تعطیلات تمام شده است. این چرخه از سال برگزاری اجلاس سران در ایران شروع شده و تاکنون ادامه دارد.» او با اشاره به اینکه منظور این نیست که تیم‌های گذشته در شهرداری خوب بودند اما این دوره بد هستند، افزود: «شهرداری‌های قبلی حرف ما را می‌شنیدند و وارد مذاکره و تعامل با NGOها می‌شدند. من حاجی را به پاتوق‌های پر خطر معنادان و القالیف را داخل کمپ‌های مختلف بردم و شرایط را برایشان توضیح دادم. اما این دوره حاضر نیستند کوچک‌ترین حرفی را بشنوند و اعتقادی به تخصص ندارند. زیرمجموعه‌های معاونت اجتماعی شهرداری در دوره زاکانی اصلاً نمی‌بینند و می‌خواهند با متخصصین بجنگند. با ما که اینطور تحقیرآمیز رفتار می‌کنند با کارتن‌خواب‌هایی که می‌کنند؟ کارتن‌خواب‌ها صدانزدند و معتقدند صدایشان به خدا نمی‌رسد. صدای درد آنها بلند نمی‌شود. در این برف و سرما درد کارتن‌خوابی را تجربه می‌کنند و زنان و کودکان در پرخطرترین و دور از دسترس‌ترین پاتوق‌های شهر زندگی می‌کنند فقط برای آنکه گیر نیفتند و به مراکز ماده ۱۶ منتقل نشوند. کار ما هم سخت‌تر می‌شود چرا که همه شهر در حال تبدیل شدن به پاتوق است. در گذشته وارد پاتوق‌ها می‌شدیم، مشخص بودند و افراد را به تغییر ترغیب می‌کردیم اما در حال حاضر پاتوق‌ها پخش شده‌اند، به شدت پر خطر شده و ما هم نمی‌توانیم به آنها سر بریزیم. بسیاری از پاتوق‌ها سرپوشیده شده و مالک شخصی پیدا کرده‌اند. مدیران شهری نمی‌دانند درازند چه آسیبی به شهر می‌زند برای آنکه نمایش انتخاباتی یا تبلیغاتی خود را پیش ببرند.»

سازمان‌های متولی از زیر بار مسئولیت بعد از تخریب و ترک اجباری، شانه خالی می‌کنند. سال‌ها در ساماندهی افراد بی‌سرنیاهی که از زندان بیرون می‌آمدند، حمایت درستی نداشتیم چه برسد به معتادانی که از کمپ اجباری تخریب می‌شوند. نام‌زدان را به مرکز درمان اجباری اعتیاد تغییر دادند. عناوین عوض شد اما اقدامات همچنان بر یک پاشنه می‌چرخد. فقط برای آنکه بگویند ما اشتباه نکردیم. حاضرند سال‌ها پول خرج کنند و عمر مردم را تباہ کنند. از قدم اول، روز اول، روز دوم، درمان اجباری اشتباه بود. سال‌هاست برای آنکه ثابت کنند این اشتباه درست است میلیاردها میلیارد برای طرح‌هایی هزینه می‌کنند که ناکارآمد و غیرمؤثر بودن آن مکرراً ثابت شده است. هیچ جوانمردی نمی‌گوید که گردش مالی این طرح که برای هر نفر از دستگیری، غربالگری، درمان، دارو، اقامت و... کلی هزینه می‌شود، بی‌نتیجه بوده و باید طرح را تغییر دهیم. پتانسیل وجود چه ارگان‌هایی برای یکپارچه‌سازی و بهبود صرف می‌شود در حالی که فرد بعد از بیرون آمدن از کمپ‌های اجباری یا همان مشکلات دست به گریبان است. ۲۰ سال پیش نیز آسیب‌دیدگان اجتماعی همین معضلات را داشتند و طی گذشت سال‌ها هنوز بهبودی در شرایط آنها به وجود نیامده بلکه شرایط بدتر هم شده است. ۲۰ سال پیش هم افراد بهبود یافته از اعتیاد، معضل درمان داشتند؛ اولویت‌شان دندانپزشکی بود، دندان نداشتند که بخرند، اعتماد به نفس‌شان پایین می‌آمد یا دندان نداشتند که درست غذا بخورند و دندان درد داشتند، همچنان این مشکلات ادامه دارد.» علیزاده با اشاره به نگهداری این افراد در یک کمپی که در واقع زندان است، تأکید کرد: «مسئولان می‌گویند این فرد مصرف‌کننده است پس جرم است و باید بهبود پیدا کند چون ما تشخیص درست داده‌ایم که ترک کند. من سال‌ها با سازمان زندان‌ها کار کرده‌ام. معتقدم مراکز ماده ۱۶ تفاوت چندانی با زندان ندارند و اوضاع‌شان اگر بدتر نباشد، بهتر نیست. نمی‌شود با تغییر اسم یک مرکز از زندان به مرکز درمانی اعتیاد، یک فرد را متقاعد کرد که در آنجا شرایط متفاوت است و تحت درمان است. او هر لحظه به آزادی و رهایی فکر می‌کند، نه درمان. این افراد سال‌ها در سال در آسیب بودند و به شدت با تجربه‌تر از من و شما هستند. نگاه نکنید ته‌خطی شده‌اند، آنها زمانی کسب و کار و اعتباری داشتند، عزیزان خانواده‌هایی بوده‌اند، تجربه یک شب کارتن‌خوابی به اندازه یک سال زندگی یک فرد در همان جامعه است، اینقدر که سختی می‌کشند و آسیب می‌بینند. بنابراین این افراد به راحتی فریب کلمات و اقدامات را نمی‌خورند و بی‌اعتماد شده‌اند. شنیدم که اخیراً زنان باردار، سن بالاها، افرادی که زخم باز یا بیماری خاص دارند، پذیرش می‌کنند، قبلاً اینگونه نبود. در واقع افرادی که می‌توانند ۶ ماه یا یکسال در زندان بمانند را نگه می‌دارند نه افراد با شرایط خاص.» او به فعالیت درمخانه‌ها هم اشاره و تأکید کرد: «سال‌های سال است که برای جمع‌آوری معنادان به حربه متوسل شده‌اند و برای بر کردن تعداد مورد نظر